

ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در توسعه روستایی نمونه موردی: دهستان آلاداغ بجنورد

مهدی پورطاهری^{۱*}، یلدا همدی مقدم^۲، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۳

- ۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۷/۹/۴ پذیرش: ۸۸/۴/۲۳

چکیده

شورا از ریشه‌دارترین اصول عرفی و مقررات سنتی، و از بارزترین شیوه‌های عقلایی در زندگی جمعی است و حتی قدیمی‌ترین شیوه‌های مدیریت در تکاپوی اجتماعی نوع بشر، نشانه‌هایی از نظام شورایی را با خود دارد؛ به این علت، تاکنون زوایای مختلفی از عمل‌کرد شورا بررسی شده است. در این پژوهش، میزان موفقیت عملکرد شوراهای اسلامی روستا در تحقق اهداف توسعه روستایی را در دهستان آلاداغ بجنورد ارزیابی کرده‌ایم.

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ بنابراین، پس از تهیه چهارچوب نظری، به تدوین پرسش‌نامه و انجام عملیات میدانی پرداخته‌ایم. پرسش‌نامه‌ها در پانزده روستا و از سوی ۲۲۵ نفر از افراد ساکن مناطق روستایی، به صورت تصادفی طبقه‌ای تکمیل شده‌اند. برای ارزیابی عمل‌کرد شوراها در تحقق اهداف توسعه روستایی، از آزمون t تک‌نمونه‌ای و ضریب همبستگی مبتنی بر جدول توافقی استفاده کرده‌ایم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعضای شوراهای اسلامی روستایی در نظارت بر اجرای مقررات بهداشتی، تشخیص کمبودها و نارسایی‌های موجود و نیز کمک‌رسانی در مواقع بحرانی موفق نبوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، مدیریت روستایی، شوراهای اسلامی.



۱- مقدمه

مفهوم توسعه روستایی از دهه ۱۹۷۰ م تاکنون در ابعاد مختلف نظری و اجرایی، دستخوش تغییرهای مهم و بنیادی شده است. علت این تحولات مهم، تنها استقرار حدود نیمی از جمعیت جهان در سکونتگاه‌های روستایی و یا اهمیت نقش اقتصادی مناطق روستایی نیست؛ بلکه اهمیت و تأثیر ابعاد توسعه روستایی بر توسعه ملی کشورها نیز در آن مؤثر است. از سوی دیگر، با شکست و ناکارآمدی دیدگاه‌ها و راهبردهای دیوان سالارانه^۱ و متمرکز بر توسعه روستایی، و توجه بیش از حد به ابعاد فیزیکی توسعه، شکاف‌ها و چالش‌هایی در مسیر توسعه روستایی ایجاد شده است در بسیاری از کشورها، برای بهبود این وضعیت، چرخش کاملاً مشخص و قابل توجهی به سوی حاکمیت دیدگاه توسعه و مشارکت مردم‌سالار به وجود آمده و مفاهیم جدیدی چون توسعه یکپارچه روستایی، توسعه پایدار، توسعه مشارکتی و توسعه درون‌زا به ادبیات توسعه روستایی افزوده شده است. بدیهی است که برای فراهم کردن امکان حضور روستاییان و مشارکت فعالانه آنان در توسعه روستایی، نیازمند راهکارهای مشخصی برای تأثیرگذاری جدی بر روند کامل توسعه هستیم. در کشورهای مختلف، متناسب با ساختار سیاسی و سلسله قدرت در جامعه، راهکارهای خاصی بدین منظور انتخاب شده و مورد توجه قرار گرفته است. یکی از راهکارهای مهم برای مشارکت فعالانه روستاییان در توسعه روستایی، مفهوم مدیریت شورایی در این فرایند می‌باشد. در زمینه به‌کارگیری مدیریت شورایی برای اداره امور سیاسی و مدیریتی برخی کشورها می‌توان گفت که در چهارچوب به‌کارگیری این نظام، با وجود پی‌آمدها و مسائل خاص، تضمین بیشتری برای رسیدن به هدف‌های سیاسی و اقتصادی در کشورها وجود دارد و در همین راستا، گرایش به تشکیل نهادهای سیاسی، محلی، منطقه‌ای و اجتماعی نظیر شوراهای روستایی، شهرک، شهر، منطقه، استان و بخش تقویت می‌شود؛ زیرا در صورت وجود چنین نهادهایی مردم بهتر می‌توانند از پایین‌ترین سطح جامعه و از کوچک‌ترین مراکز اجتماعی و سکونت‌مانند روستاها در چهارچوب منظمی در انتخاب مسئولان مشارکت کنند و در نتیجه، انتخاب مسئولان رده اول کشور آسان‌تر، بهتر و طبیعی‌تر

1. Bureaucratic

می‌گردد. در عمل، مردم هر منطقه، شهر و استان می‌توانند براساس خواسته‌ها و نظرهای خود، نمایندگان را انتخاب کنند که هم امور منطقه خود را اداره کنند و هم رابطه قابل اعتمادی برای دولت مرکزی به وجود آورند. علاوه بر بیان نفس وجود شوراهای، لازم است برای ارزیابی عملکرد شوراهای پس از انتخاب، تحلیلی منطقی به دست داده شود تا عملکرد آنها در مسیر نامشخصی قرار نگیرد. در این پژوهش، عملکرد شوراهای روستایی در دهستان آلاداغ از شهرستان بجنورد را ارزیابی می‌کنیم و در پی پاسخ دادن به دو سؤال اساسی هستیم: نخست اینکه آیا شوراهای روستایی دهستان آلاداغ در تحقق اهداف توسعه روستایی موفق بوده‌اند و دیگر آنکه آیا رابطه معناداری میان عوامل اجتماعی، اقتصادی و مکانی با عملکرد شوراهای وجود دارد یا نه.

۲- نظریه توسعه مشارکتی و نهادی تبیین‌کننده مدیریت محلی (شوراهای اسلامی)

نقش روستاها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتن مناطق روستایی، موجب توجه به توسعه روستایی شده است (ازکیا، ۱۳۸۶: ۲۵). در این معنا، در اندیشه بسیاری از محققان، توسعه روستایی، مقدمه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز مؤخره آن در سطح ملی قلمداد می‌شود (شهبازی، ۱۳۷۵: ۱۶). توسعه روستایی پدیده مستقلی است که در یک دیدگاه کلی، با نقش مناطق روستایی در توسعه ملی - که در ظرفیت تولید، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد - مرتبط است (Berger, 1994: 44). در این راستا، توسعه روستایی به معنای ارتقای اقتصادی و اجتماعی زندگی مردم روستا، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، و رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است (Cleav, 1997: 63). توسعه روستایی از دو عامل سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردمی تأثیر می‌پذیرد و برپایه شکل‌گیری سازمان‌های متنوع نظیر شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و شوراهای و همچنین ارتباطات مناطق روستایی با بخش‌ها، شهرها و دیگر سطوح پدید می‌آید؛ بنابراین، توسعه از طریق تعامل مثبت دولت با دیگر



سازمان‌ها و نهادها به دست می‌آید و برنامه‌های توسعه و مدیریت، علاوه بر سطوح کلان، به سطوح منطقه‌ای و محلی هم نیازمند است (Maddido, 2000: 94). در سال‌های اخیر، توسعه روستایی در قالب توسعه مشارکتی و نهادگرایی مطرح شده که ابعاد توسعه روستایی یکپارچه، همراه با مشارکت مردم را دربردارد. از این منظر، عوامل متعددی بر توسعه روستایی تأثیرگذارند که از جمله آنها می‌توان مدیریت روستایی و حضور خبرگان محلی (شوراها) را نام برد. روستاها به‌عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، از دیرباز دارای سازمان اجتماعی و مدیریت بوده‌اند؛ ولی این مدیریت دارای مفهومی گسترده و متفاوت با علم یا فن مدیریت امروزی بوده است (طالب، ۱۳۷۶: ۵). مشارکت مردم در روند توسعه نزد صاحب‌نظران از چنان اعتباری برخوردار است که گروهی توسعه را معادل مشارکت می‌دانند (طالب، ۱۳۷۴: ۴)؛ بنابراین، دستیابی به توسعه همه‌جانبه روستایی بدون اتخاذ روش‌هایی که در آن به مشارکت مردمی به‌عنوان زیربنای نگرینته شود، میسر نیست. مشارکت مردمی از آن جهت اهمیت دارد که به آن، به‌منزله راهبردی جدید در توسعه نگرینته می‌شود و امید است که با به‌کارگیری مؤثر مشارکت مردمی، توسعه متعادل و پایدار حاصل گردد. نتایج و تأثیرهای راهبردهای تجربه‌شده قبلی در توسعه، به ظهور راهبرد جدیدی به‌نام توسعه مشارکتی منجر گردیده و در سراسر جهان، مورد توجه خاص است (عظیمی، ۱۳۸۳: ۹۵). مشارکت در توسعه روستایی، اموری چون شرکت کردن مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها، سهم‌بودن آنها در فواید طرح‌های توسعه و تلاش برای ارزشیابی این طرح‌ها را دربر می‌گیرد (کوهن، ۱۳۷۹: ۱۵). با عنایت به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که به‌طور فزاینده، در سه دهه اخیر، از این تفکر حمایت شده که مشارکت را باید توانمند شدن مردم روستایی تعریف کرد. در اینجا توانمندی، به‌معنای قادر بودن مردم روستایی به تصمیم‌گیری برای انجام اقداماتی است که برای توسعه روستایشان ضروری می‌باشد (موسوی مقدم، ۱۳۸۳: ۲۵). بهترین نوع مشارکت، مشارکت توسعه‌ای^۱ یا خودبسیجی است. این گونه مشارکت، فرایندی است اجتماعی،

یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چندبعدی و چندفرهنگی؛ به عبارت دیگر، مشارکت توسعه‌ای بدان معناست که همگان در همه مراحل توسعه سهیم شوند (شادی‌طلب، ۱۳۷۲: ۸). برای دستیابی به توسعه روستایی و عملی کردن نظریه توسعه پایدار روستایی با مشارکت مردمی در دهه‌های اخیر، رویکرد نهادی به عنوان ابزاری نوین در راستای تحقق اندیشه توسعه پایدار روستایی مطرح شده است. بر مبنای این رویکرد، برای اداره و توسعه روستاها نظام‌های خاصی لازم است. نهادهای روستایی از محیط روستا برخاسته‌اند و اصولاً در چهارچوب نظام‌های خاصی چون نظام‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۵۱). بر این اساس، مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد نهادی و مشارکتی، فرایندی چندجانبه است که سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی را دربر می‌گیرد. در این فرایند، با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌شوند و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۱۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت مدیریت روستایی، فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل‌دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۳). وجود نظام مدیریت و تشکیلات متناسب، یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی به‌شمار می‌رود و درکنار دیگر عوامل، با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، روند توسعه و رسیدن به هدف‌های توسعه در نواحی روستایی را آسان می‌کند (عمادی، ۱۳۷۹: ۲۹۹). از سال ۱۹۹۵م به بعد، با این عقیده که دو قالب سازمان و نهاد به‌تنهایی جواب‌گوی فرایند مدیریت توسعه روستایی مبتنی بر مشارکت روستاییان نیست، موضوع تشکیل نهادهایی مطرح شده که به سازمان منتهی می‌شوند؛ یعنی با تکیه بر نهادهای محلی موجود و قانونمند کردن آنها می‌توانیم سازمانی پدید آوریم که متکی بر فرهنگ و هنجارهای سنتی روستایی باشد (Mosely, 2003: 12). با این وصف، مدیریت روستایی دارای سازوکار و مفهومی کلی است که در آن، مشارکت، عنصر اصلی محسوب می‌شود. مشارکت، ابزاری برای احیای جامعه‌های شهری و روستایی به‌شمار می‌رود و رشد آنها در چند سال اخیر، در نتیجه تغییرهای اجتماعی فزونی یافته است (مرکز تحقیقات اقتصاد ایران،

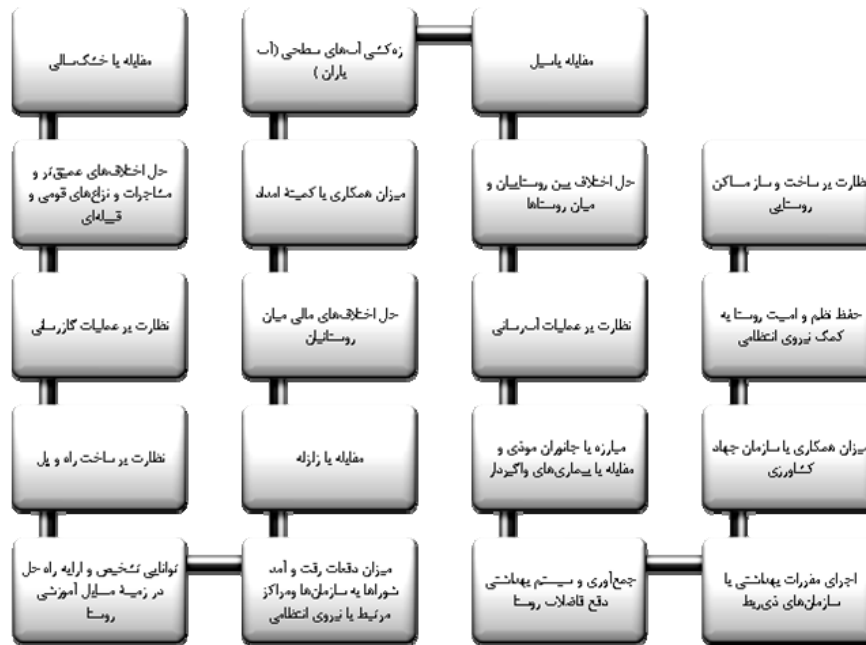


۱۳۸۱: ۲۰۰). تجربه نشان داده است که هرچه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان کارایی مؤثر برنامه‌ها کاهش می‌یابد و هزینه‌های اجرا زیادتر می‌شود (شفیعی، ۱۳۷۸: ۶۵). در نگرش جدید توسعه، بر بازگشت به ویژگی متمایز تاریخی هر جامعه از یک طرف و پرهیز از القای نسخه‌های تجویزی توسعه از بالا به پایین از طرف دیگر تأکید می‌شود که در آن، هویت محلی، زیربنای مدیریت محلی، و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به‌شمار می‌رود (گل‌سرخ، ۱۳۵۱: ۴۰). تا قبل از انقلاب مشروطیت در ایران، مدیریت امور مختلف روستاها کاملاً غیردولتی بود، عوامل و عناصری مانند نماینده، کدخدا، سالار، سربنه و یا دشتبان در آن نقش داشتند و مدیریت امور جاری و عمرانی روستاها بدون وابستگی مالی به دولت، برعهده یکی از روستاییان تحت عنوان دهگان، دهیگ، دهقان و یا کدخدا بود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). بعد از مشروطیت تا هنگام اصلاحات ارضی، مدیریت روستا با مالک بود؛ بدین ترتیب که او از طریق مباشران و یا به‌طور غیرمستقیم کدخدا را تعیین می‌کرد و کدخدا با حمایت از سوی مالک، روستا را اداره می‌کرد (طالب، ۱۳۷۱: ۳۲). از اقدامات اولیه دولت در زمان مشروطیت می‌توان لغو تیول‌داری و تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات را نام برد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۵: ۷). وضع مدیریت روستا که تا زمان انجام برنامه‌های اصلاحات ارضی، تحولی کند به خود دیده بود، در این سال‌ها دستخوش دگرگونی‌های اساسی شد. در این راستا، سازمان‌های عریض و طویلی مثل سپاه ترویج، سپاه بهداشت، سپاه عدالت، خانه انصاف، شورای کشاورزی، خانه فرهنگ، و مقام‌هایی چون دهبان و کدخدا در کنار شرکت‌های تعاونی روستایی و انجمن ده پدید آمدند؛ ولی به‌علت توفیق نیافتن آنها در جلب مشارکت جدی و خودانگیخته روستاییان، مردم روستاها عملاً از خود سلب مسئولیت کردند و در تصمیم‌گیری‌ها خود را ناتوان می‌دیدند. با پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور مراکز تصمیم‌گیری متعدد، مشکلات زیادی در چگونگی تنظیم مدیریت روستا و نحوه انتخاب افراد به‌وجود آمد؛ ولی سرانجام در سال ۱۳۶۰، مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی تشکیل شد و به‌صورت مشخص، جهاد سازندگی عهده‌دار این کار گردید (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۶). اولین قانون مربوط به شوراهای تحت عنوان قانون شوراهای محلی، پس

از پیروزی انقلاب اسلامی و با دستور تاریخی امام خمینی در نهم اردیبهشت ۱۳۵۸ و از سوی شورای انقلاب در تیرماه ۱۳۵۸ تهیه، تصویب و برای اجرا به دولت وقت ابلاغ گردید. با بروز دگرگونی‌های اساسی در دوره‌های زمانی متفاوت، در سال ۱۳۷۵ قانونی به‌عنوان قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به تصویب رسید و براساس آن، مدیریت روستایی به شوراهای روستایی واگذار گردید. در این قانون، مسئولیت اجرایی مدیریت روستایی به عهده مقامی به‌نام ده‌یار گذاشته شد که از طرف شورا به مدت چهار سال انتخاب می‌شد؛ بنابراین، در این دوره نظام سلسله‌مراتبی مدیریت روستایی از مقطع بخش با مدیریت بخش‌داری، شورای اسلامی روستا و دو تشکل به‌نام‌های خانه همیار و دفتر عمران تا سال ۱۳۷۷ شکل می‌گرفت (Motamedi, 2000: 27)؛ بدین ترتیب، شوراهای اسلامی روستا یکی از سازمان‌های مردمی در ایران است که نقش مهمی را در توسعه یکپارچه روستا ایفا می‌کند. در واقع، بعد از حذف ساختار مدیریت سنتی روستا و غیرمؤثر شدن دیگر سازمان‌ها، خلأ موجود در روستاها بعد از انقلاب اسلامی توسط شوراهای تا حدودی پر شد (مبلغ، ۱۳۸۲: ۵۳). به‌نظر می‌رسد شوراهای می‌توانند خواسته‌های مردم از دولت را تعدیل کنند، حضور مردم را در صحنه سیاسی و اجتماعی نهادینه کنند و علاوه بر کاهش نارضایتی مردم، ظرفیت پاسخ‌گویی دولت را نیز افزایش دهند. با توجه به قانون سال ۱۳۷۵، وظایف و اختیارات شوراهای روستا را می‌توان در دو بخش کلی و اختصاصی تشریح کرد (سازمان ده‌یاری‌های کشور، ۱۳۸۲: ۲).

۳- مواد و روش‌ها

در این تحقیق، با توجه به موضوع و هدف، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌ایم و برحسب مقتضیات پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی نیز بهره گرفته‌ایم تا فرضیه‌ها را بیازماییم. در روش تحلیلی شاخص‌های عملیاتی، که بر طبقه‌بندی وظایف شوراهای در دو بعد کلی و اختصاصی منطبق است، از طریق طرح گویه‌های مناسب به‌صورت نگرش‌سنجی در قالب طیف لیکرت، مطابق شکل (۱) عملکرد شوراهای را ارزیابی کرده‌ایم.



شکل ۱ مؤلفه‌های تبیین‌کننده عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستایی

همچنین برای سنجش عوامل مؤثر بر عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستا، میزان مشارکت روستاییان در طرح‌ها و برنامه‌های عمران روستایی، میزان تعلق مکانی و سطح تحصیلات اعضای شوراهای اسلامی، میزان تخصیص اعتبارات به روستا همراه با موقعیت قرارگیری مناطق روستایی و فاصله آنان تا مرکز شهرستان را از طریق طرح گویه‌های تبیین‌کننده هر بخش، در دهستان آلاداغ شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی مورد توجه قرار داده‌ایم. دهستان آلاداغ با مرکزیت روستای خوش‌منظر از بخش مرکزی (شهرستان بجنورد)، در ۵/۶ کیلومتری جنوب غرب شهرستان بجنورد قرار گرفته است. این دهستان با ۸۰۱ کیلومتر مربع مساحت، ۴۹ درصد از وسعت بخش مرکزی را دربرمی‌گیرد. در محدوده این دهستان، ۳۸ روستا و ۷۹ مزرعه و مکان وجود دارد. ارتفاع متوسط آبدی‌های این دهستان ۱۳۵۰ متر است؛

بلندترین آنها روستاهای اسدلی و کی‌کی با ارتفاع ۱۸۰۰ متر و پایین‌ترین آنها روستاهای برج و کلاته یاور با ارتفاع ۱۰۸۵ متر هستند.

از مجموع ۳۸ روستای مستقر در دهستان، پانزده روستا با دامنه‌های ارتفاعی متفاوت، تعداد جمعیت مختلف و فاصله‌های متفاوت از شهر را به‌صورت تصادفی طبقه‌ای برگزیده‌ایم؛ همچنین از مجموع ۲۹۶۰ خانوار روستایی ساکن در روستاهای نمونه به روش کوکران، ۲۲۰ نمونه را به روش تصادفی از طریق تخصیص متناسب انتخاب کردیم و تمامی رؤسای شوراهای در روستاهای برگزیده، پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند. جدول (۱) مشخصات روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱ مشخصات روستاهای مورد بررسی در دهستان آلاداغ بجنورد براساس آمار سال ۱۳۸۵

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد جمعیت
ارکان	۶۸۰	۲۷۸۳	خوش‌منظر	۶۰	۲۴۷
اسدلی	۷۶	۳۲۸	درتوم	۲۹۲	۱۱۵۷
ا...وردی‌خان	۲۵۹	۱۰۷۱	رشوانلو	۴۲	۱۶۰
امام‌وردی	۵۰	۱۷۸	کچرانلو	۱۹۰	۷۵۵
بازخانه	۳۸	۱۶۵	کلاته یاور	۱۲۰	۵۵۲
برج	۱۷۴	۷۰۸	ملکش	۶۸۱	۲۷۶۶
پاقلعه	۳۱	۱۱۲	جمع	۲۹۶۰	۱۲۰۶۴
حمزانلو	۱۰۲	۴۱۷			
خداقلی	۱۶۵	۶۶۵			

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی شهرستان بجنورد.



بر این اساس، داده‌های مورد نیاز را از ۲۲۰ نفر سکنه روستایی همراه با رؤسای شوراهای اسلامی از پانزده روستا در دوره زمانی سال ۱۳۸۷ به‌عنوان نمونه انتخاب کردیم و از طریق آنها دو فرضیه به شرح ذیل را آزمودیم:

فرضیه اول، موفق بودن عمل‌کرد شوراهای روستایی دهستان آلاداغ در تحقق اهداف توسعه روستایی است. در این راستا، با عنایت به شرح وظایف شوراهای اسلامی، میزان موفقیت آنان در تحقق اهداف توسعه روستایی را در شش زمینه ذیل آزموده‌ایم: اجرای مقررات بهداشتی و تأمین بهداشت محیط روستا، حل اختلاف‌های میان روستاییان، کمک‌رسانی در مواقع بحرانی، همکاری با سازمان‌ها و مسئولان نیروی انتظامی برای برقراری نظم و امنیت، تشخیص نارسایی‌ها و کمبودهای روستا و پیشنهاد کردن راه‌های منطقی، و سرانجام، نظارت بر طرح‌های عمرانی.

در تبیین فرضیه دوم، بر تعامل و رابطه عوامل اجتماعی، اقتصادی و مکانی با عمل‌کرد شوراهای روستایی در دهستان آلاداغ بجنورد تأکید کرده‌ایم. در این فرضیه، عوامل مؤثر بر عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستایی در دهستان آلاداغ، شامل انگیزه مشارکت روستاییان، موقعیت قرارگیری مناطق روستایی (اعم از دشتی، کوهستانی، پای‌کوهی)، سطح تحصیلات اعضای شورای اسلامی، تخصیص اعتبارات روستایی، فاصله روستا تا شهر و درنهایت، وابستگی مکانی (احساس مکانی) را آزمایش کرده‌ایم.

۴- نتایج و یافته‌های تحقیق

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، در راستای پاسخ‌گویی به فرضیه اول، با توجه به حد متوسط امتیازها برای ارزیابی عمل‌کرد شوراها متناسب با تعداد گویه‌ها، براساس مؤلفه‌های اصلی تحقیق و با عنایت به مقایسه میانگین وضع موجود و میانگین گویه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که صرف‌نظر از عمل‌کرد اعضای شورای اسلامی در کمک‌رسانی و تأمین بهداشت روستا، در دیگر موارد، موفقیت معناداری در عمل‌کرد آنان متناسب با شرح وظایف شوراها دیده می‌شود.

جدول ۲ ارزیابی عمل‌کرد بهداشتی و تأمین بهداشت روستا ازسوی اعضای شورای دهستان آلاداغ

مؤلفه‌ها	میانگین وضع موجود	حدمتوسط گویه‌ها	مقدار T محاسبه‌شده	سطح معناداری
ارزیابی بهداشت روستا	۱۲/۶۳	۱۵	۱۰/۶۸	۰/۰۰**
ارزیابی حل اختلاف‌ها	۱۰/۴۱	۹	۱۰/۴۳	۰/۰۰**
کمک‌رسانی	۱۱/۵۹	۱۲	۲/۷	۰/۰۷
همکاری باسازمان‌ها	۱۸/۳	۱۵	۱۷/۵	۰/۰۰**
تشخیص کمبودها	۱۲/۶	۱۲	۱/۹۶	۰/۰۵ *
نظارت بر امور روستا	۱۶/۷	۱۵	۱۰/۴	۰/۰۰**

یافته‌های مندرج در جدول (۳) نیز بیانگر نتایج ذیل در راستای فرضیه دوم تحقیق است: الف) بین انگیزه مشارکت روستاییان و عمل‌کرد شوراهای، تنها در زمینه کمک‌رسانی رابطه مستقیم ناقص وجود دارد.

ب) بین موقعیت قرارگیری مناطق روستایی، تنها در زمینه کمک‌رسانی در مواقع بحرانی، همبستگی ناقص معکوس در سطح آلفا ۰/۰۱ مشاهده می‌شود؛ بدان معنا که با افزایش ارتفاع مناطق روستایی، سطح امداد رسانی در مواقع بحرانی کاهش می‌یابد و بنابراین، مناطق کوهستانی آسیب‌پذیرترند.

ج) با نگاهی به جدول (۳) درمی‌یابیم که سطح تحصیلات اعضای شورا، تنها در زمینه تشخیص و پیشنهاد راه حل منطقی برای نارسایی‌ها و کمبودهای روستا با سطح همبستگی ۰/۲ و نیز در زمینه نظارت بر طرح‌های عمرانی با سطح همبستگی ۰/۱۳ معنادار است.

د) یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان تخصیص اعتبارات به مراکز روستایی تنها در زمینه کمک‌رسانی در مواقع بحرانی در سطح ۰/۰۱، همبستگی معناداری را داراست.

ه) فاصله کم یا زیاد روستا با شهر، در عمل‌کرد شوراهای درباره مسائل بهداشتی، حل اختلاف میان روستاییان و همکاری با سازمان‌ها و مأموران نیروی انتظامی اثر می‌گذارد و همبستگی معناداری در سطح آلفا ۰/۰۱ را نشان می‌دهد. در این حالت، به نظر می‌رسد با افزایش فاصله از شهر، بهبود عمل‌کرد شوراهای در سطح مسائل بهداشتی روستاها، همکاری با سازمان‌ها و حل اختلاف میان روستاییان حاصل شده است.



و) هیچ‌گونه رابطه معناداری بین وابستگی مکانی اعضای شوراهای اسلامی به روستای محل سکونت خود و عمل کرد آنان وجود ندارد.

جدول ۳ همبستگی بین عوامل مؤثر بر عمل کرد شوراهای اسلامی

عملکردها	میزان همبستگی	سطح معناداری
میزان انگیزه مشارکت روستاییان		
کمک‌رسانی	۰/۱۴۶	۰/۰۲۸*
موقعیت قرارگیری روستا		
کمک‌رسانی	-۰/۱۷۲	۰/۰۱**
سطح تحصیلات اعضای شورای اسلامی		
شناسایی کمبودها	۰/۱۹۹	۰/۰۱**
نظارت بر امور عمرانی	-۰/۱۳۴	۰/۰۴*
میزان تخصیص اعتبارات		
عملکردها	میزان همبستگی	سطح معناداری
کمک‌رسانی	۰/۲۴۸	۰/۰۰**
میزان فاصله روستا تا شهر		
مسائل بهداشتی	۰/۱۹۸	۰/۰۳**
حل اختلاف‌ها	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱**
همکاری با سازمان‌ها	۰/۲۳۰**	۰/۰۰۱

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تشکیل شوراهای اسلامی، گسترش نهادهای مدنی و سپردن کارها به مردم از جمله مسائلی است که از آغاز تشکیل شوراهای تاکنون فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده و در چند سال اخیر، با توجه بیشتری دنبال می‌شود. اجرای برنامه‌های توسعه روستایی از سوی نهادهای انقلاب اسلامی با رویکرد جلب مشارکت مردم برای جبران عقب‌ماندگی‌های روستا و فضای

عمومی سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، اذهان را به تشکیل شورای اسلامی در روستا برای تحقق برنامه‌های توسعه روستایی معطوف کرد. بر همین اساس، در این پژوهش عمل‌کرد شوراهای اسلامی را پس از استقرار آنها بررسی کرده‌ایم تا میزان موفقیت آنها را در تحقق اهداف توسعه روستایی نشان دهیم. نتایج این پژوهش در رابطه با دو فرضیه یادشده نشان می‌دهد که عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستا در نظارت بر اجرای مقررات بهداشتی و تأمین بهداشت روستا، مورد پذیرش جامعه نمونه نبوده و بنابراین، عملکرد اعضای شورای اسلامی روستا در این زمینه ضعیف است. مسائل بهداشتی روستا نقش بسیار مهم و حیاتی‌ای در محیط روستا ایفا می‌کنند؛ اما متأسفانه اعضای شورا از نظارت بر این مسائل غافل بوده‌اند. ممکن است یکی از علت‌های این مسئله، آگاه نبودن اعضای شورا از وظایفشان در این زمینه باشد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عمل‌کرد شوراهای اسلامی در حل اختلاف‌های میان روستاییان، مورد پذیرش جامعه نمونه نبوده است؛ بنابراین، عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستا در زمینه تلاش برای حل اختلاف میان روستاییان، مثبت ارزیابی می‌شود. نوع عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستا در نظارت بر فرایند کمک‌رسانی در مواقع بحرانی پذیرفته نشده است؛ بنابراین، عمل‌کرد آنها در این زمینه، ضعیف است. شوراهای اسلامی روستا در همکاری با سازمان‌ها و مأموران نیروی انتظامی برای برقراری نظم و امنیت، با موفقیت عمل کرده‌اند و جامعه نمونه، شامل روستاییان روستاهای دهستان آلاداغ، مطلوب بودن عمل‌کرد اعضای شورای اسلامی روستا را در این زمینه اعلام کرده‌اند. همچنین عمل‌کرد شوراهای اسلامی روستاهای دهستان آلاداغ در تشخیص نارسایی‌ها و کمبودهای روستا با توجه به سطح معناداری محاسبه‌شده، مورد تأیید قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، شوراهای اسلامی روستا از نظر افراد نمونه، سطح مقبولی از عمل‌کرد را در این زمینه نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد شوراهای اسلامی در نظارت بر طرح‌های عمرانی نیز موفق عمل کرده‌اند؛ به طوری که اکثریت جامعه نمونه بر سطح مطلوب عمل‌کرد شوراهای اسلامی در روستاها اذعان داشته‌اند.

درنهایت، با عنایت به شرح وظایف شوراهای اسلامی روستا، که بخش عمده‌ای از آنها جنبه نظارتی دارد، می‌توان این وظایف را در حیطه مسائل محیطی که با شاخص‌های سلامت و



بهداشت ارزیابی شده، ناموفق و در حیطه مسائل اجتماعی و عمرانی، موفق ارزیابی کرد. باید اذعان داریم که تضمین اجرایی و توأم با موفقیت عمل کرد شوراهای اسلامی در روستا چندان ساده نیست؛ زیرا این شوراها به توجه بیشتر، ایجاد زمینه برای خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فکری و نیز تخصیص منابع بیشتر برای توسعه نیاز دارند و براساس رویکرد مشارکتی و نهادگرایی، در صورت تأمین خواسته‌هایشان قادرند روستاییان را در تحقق اهداف توسعه یاری رسانند.

۶- منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۵). «مدیریت و توسعه روستایی». *مجله جهاد*. س ۱۵. ش ۱۷۱.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲). «عمل کرد دهیاری‌ها». *مجله دهیاری‌ها*.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. نشر قومس
- سازمان دهیاری‌های کشور (۱۳۸۴). *مجموعه قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و آیین‌نامه‌های اجرایی آن*.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۲). «مشارکت مردم و مدیریت آب‌خیزها». *ماهنامه جهاد*. س ۱۳. ش ۱۶۲.
- شفیعی، حسن (۱۳۷۸). «دولت و شوراها در ایران». *ماهنامه شهرداری‌ها*. ش ۴.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۵). *توسعه و ترویج روستایی*. تهران: دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۱). *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۷۴). «طرحی برای مدیریت روستایی». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. ش ۳۹.
- ----- (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عظیمی‌آملی، جلال (۱۳۸۳). «نقش مشارکت‌های مردمی در حفظ و احیای منابع طبیعی». *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای جنگل، مرتع، صنعت، نگاهی به آینده*. چالوس: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نوشهر و چالوس.

- عمادی، محمدحسین (۱۳۷۹). *توسعه روستایی و مدیریت توسعه روستا و نقش شوراهای اسلامی در آن*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت جهاد کشاورزی تهران.
- کوهن، یوهانسف (۱۳۷۹). *سازمان‌های تعاونی برای توسعه روستایی: جنبه‌های سازمانی و مدیریتی*. سلسله انتشارات روستا و توسعه. ش ۳۶. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
- گل‌سرخی، حسین‌علی (۱۳۵۱). *بررسی قوانین عمران روستایی از مشروطیت تا حال*. مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران.
- مبلغ، علی (۱۳۸۲). *تجربه ارزشمند شوراها در دوره اول و چشم‌انداز آینده*. تهران: وزارت کشور.
- مرکز تحقیقات اقتصاد ایران (۱۳۸۱). *نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه*. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). «مدیریت برای نوسازی روستایی». *فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*.
- موسوی مقدم، سید بابک (۱۳۸۳). *ساختارهای سنتی جلب مشارکت مردم در جوامع روستایی*.
- مهدوی، مسعود و علی‌اکبر نجفی‌کانی (۱۳۸۴). «دهیاری، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران». *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*. ش ۵۳.
- Berger, Gu (1994). *Social Structure and Rural Development in the Third World*. Cambridge University.
- Cleavar و Kevin (1997). *Rural Development Strategies, for Poverty Reduction and Environmental Production in Sub- Sahran Africa*. The World Bank. Washington D.C.
- Mahdido, Hossein (2000). *Role of Local Community and Institutions in Integrated Rural Development in Iran*. Ministry Of Jihad for Teharan.

- Mosely, J and J Malcom (2003). *Local Partnership for Rural Development*.
- Motamedi. Masoud (2000). *Role of Local Communities and Institution in Integrated Rural Development*. Deputy Director of Rural Planing in Tehran.